آینه

جمهوری اسلامی

ترمیم ناقص

● **مسیح مهاجری:** یکی از اساسی‌ترین ضعف‌های دولت شما جناب آقای رئیس‌جمهور، فعال‌نبودن بخش رسانه‌ای آن و همین‌طور مجموعه دفتر ریاست‌جمهوری است. در این زمینه مطالب زیادی وجود دارد که شاید انتشار عمومی آن به صلاح نباشد ولی درباره اینکه لازم است شما در این بخش‌ها تجدیدنظر اساسی نمایید میان دلسوزان دولت یازدهم و دوستان شما و صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود دارد. اکنون که تصمیم به خانه‌تکانی گرفته‌اید، این بخش‌ها را که نزدیک‌ترین بخش‌ها به خودتان و از مؤثرترین بخش‌ها هستند، نیز مشمول این خانه‌تکانی قرار دهید. دولت شما آقای رئیس‌جمهور، دارای بخش‌های قوی و موفق نیز هست. وزارت امور خارجه، وزارت بهداشت و وزارت اطلاعات ازجمله قوی‌ترین بخش‌ها هستند. دشمنی‌ها و تبلیغات فراوانی که علیه این وزارتخانه‌ها می‌شود، به این دلیل است که اینها کار خود را به درستی انجام داده‌اند و به دولت شما اعتبار بخشیده‌اند. وزرای کاردان و فعال کابینه خود را حمایت و تقویت کنید تا توفیقات بیشتری کسب کنند و مردم را به آینده کشور و نظام جمهوری اسلامی امیدوارتر نمایند.

آفتاب

بعید نیست اطلاعات دولت را در اختیار رقیب روحانی قرار دهند!

● **عبدالله رمضان‌زاده:** آقای روحانی کسی را به‌عنوان مشاور رسانه‌ای خود برگزیده است که فرد مذکور رئیس ستاد تبلیغاتی رقیب ایشان بوده است. رقیبی که هنوز هم در حال تبلیغات علیه آقای روحانی است اصلا هم مشخص نیست که این تیم اطلاع‌رسانی آقای رئیس‌جمهور اطلاعات در اختیار آن رقیب نگذارد. من تعجب می‌کنم از این عملکرد آقای روحانی... ببینید هجمه‌ها الان بیشتر شده است، تشکیلاتی‌تر، قدرتمندتر و منسجم‌تر شده است. منتها مشکل آقای روحانی در مورد نبود تیم مدافع است. یعنی در دولت اصلاحات اکثریت وزرا در دفاع از عملکرد کلی دولت فعال شده بودند. در مورد مکانیزم اطلاع‌رسانی هم باید بگویم که ما یک شورای اطلاع‌رسانی دولت داشتیم که مرکب از تعدادی از وزرا بود. مسئولیت آن هم با من بود. هر وقت لازم می‌شد با حدود ۱۰نفر از وزیران ماهانه جلسه می‌گذاشتیم و سیاست‌های تبلیغاتی را با یکدیگر هماهنگ می‌کردیم. به طور هفتگی با معاونان آن وزرا من خودم جلسه می‌گذاشتم و چگونگی برنامه سخنگویی دولت را هماهنگ می‌کردیم یعنی من اگر به‌عنوان سخنگو موضعی می‌گرفتم موضع شخصی‌ام نبود. سؤالات قابل پیش‌بینی و یک تیم کارشناسی جمع‌آوری می‌کردند. در شورای اطلاع‌رسانی دولت آن را هماهنگ می‌کردیم آنها را که چه پاسخ‌هایی برای سؤالات احتمالی آماده داشته باشیم، بعد که به جمع‌بندی می‌رسیدیم من با وزرای ذی‌ربط مشورت می‌کردم و در نهایت هم با رئیس‌جمهوری هماهنگ می‌کردم و بعد به سؤالات پاسخ می‌دادیم. سؤالاتی را هم که نمی‌توانستیم جواب دهیم، می‌گفتیم پاسخ نمی‌دهیم و من هم این را افتخار خود می‌دانم که در دوران سخنگویی‌ام به‌عنوان سخنگوی دولت یک کلمه دروغ به مردم نگفتم.

جوان

ترمیم کابینه با کدام رویکرد

● **حسن رشوند:** فرض بر اینکه این سه وزارتخانه در راستای مطالبات مردم جوابگو نبودند و رئیس‌جمهور تصمیم بر تغییر وزرای آن گرفتند، چه کسانی قرار است بر صندلی این وزارتخانه‌ها تکیه بزنند. اکنون که قرار است وزیری تغییر کند پس باید در انتخاب وزیر پیشنهادی جایگزین کمال دقت را به عمل آورد تا هم بتواند مطالبات به‌زمین‌مانده مردم را در این چند ماه باقی‌مانده تا پایان دوره یازدهم ریاست‌جمهوری تحقق بخشد و هم کسی باشد که با انتخاب او مردم به این نتیجه برسند که رئیس‌جمهور فارغ از بازی سیاسی این تغییرات را صورت داده است.

اعتماد

طرح سیاسی عارف

● **محمدرضا عارف:** ما همیشه آمادگی برقراری این گفت‌وگو را داشتیم و داریم. اتفاقا با آقای حداد هم مرتبا گفت‌وگو می‌کنیم. ما همدیگر را در جلسات مجمع می‌بینیم و به فراخور موضوعات مختلف گفت‌وگوهایی هم با هم داریم. بنده هم عمیقا به این گفت‌وگوها و ضرورت انجام آن اعتقاد دارم. بنده هر دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا را اصیل می‌دانم. هر دو جریان را در داخل خانواده انقلاب می‌دانم و قطعا گفت‌وگوی هر دو جریان به نفع منافع ملی و به نفع امنیت ملی و به نفع هر دو جریان خواهد بود. باید نشست و گفت‌وگو کرد و این اولویت‌ها را مشخص کرد. اما به اعتقاد من مهم‌ترین مسائل بحث‌های کلی مربوط به زندگی و معیشت مردم است و اینکه باید چه کنیم تا بتوانیم بهتر به نیازهای اساسی مردم پاسخ‌گو باشیم. علاوه بر این بخش فرهنگ را داریم که واقعا نیاز است دیدگاه‌های‌مان را در این زمینه به هم نزدیک‌تر کنیم و بعضی اختلافات که منجر به سوءتفاهم‌هایی هم شده را از بین ببریم. به اعتقاد من اختلاف‌نظرهایی که در زمینه‌های فرهنگی داریم باید محور این گفت‌وگوها باشد. من مطمئن هستم در این قبیل نشست‌ها حل اختلافات و سوءتفاهمات فرهنگی می‌تواند به نتیجه برسد. به‌هرحال ما در مسائل فرهنگی باید بهتر و جدی‌تر در راستای ارزش‌های انقلاب کار کنیم. باید بپذیریم که در این زمینه کم‌کاری داشتیم.

سیدجواد میری تشریح کرد:

جایگاه زبان ترکی در قوام هویت ایرانی

میثم قهوه‌چیان

سیدجواد میری، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. میری تأملات ویژه‌ای درباره ایران و جغرافیای سیاسی این کشور داشته و حاصل کارش کتاب‌هایی مانند «تحولات قفقاز شمالی و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، «ایران فرهنگی: فرصت‌ها و چالش‌های ایران در تاتارستان» و «نگاهی مردم‌شناسانه به چین و روسیه در جغرافیای سیاسی ایران» است. میری همچنین معتقد است که باید در شناخت هویت ایرانی به زبان‌های ایرانی توجه شود و دراین‌باره سرمایه‌گذاری‌های لازم به عمل آید. در همین راستا میری معتقد است که باید حضور زبان ترکی در ایران را به رسمیت شناخت و این زبان پیشینه‌ای طولانی در قوام هویت ایرانی دارد. در ادامه مشروح گفت‌وگو با میری را می‌خوانید:

زبان‌های زیادی در ایران وجود دارد؛ اما آیا در ایران زبان ترکی هم داریم و می‌توانیم از تاریخ ادبیات ترکی در ایران صحبت کنیم؟

اساسا چرا باید پرسشی درباره سابقه زبان ترکی در ایران داشته باشیم؟ امروزه در فضای فکری ایران برخی از فعالان در حوزه زبان و ادبیات فارسی، زبان‌شناسی و تاریخ ایران مدعی هستند که تجربه زیسته ایرانیان تنها به زبان فارسی بیان شده است؛ اما آن پیش‌فرضی که محققان فارسی‌گرا یا فارسی‌محور مطرح کرده‌اند، درست است؟ آیا تاریخ و پیشینه‌ای برای زبان‌های دیگر در ایران مانند ترکی، کردی، ارمنی، گرجی، عربی و لری وجود ندارد؟ یا در درازنای تاریخ تنها زبان فارسی به ثبت تجربه زیسته ایرانی پرداخته است؟ من در این گفت‌وگو می‌خواهم به زبان ترکی بپردازم و بگویم برای مطالعه هویت و ملیت ایرانی، باید به این زبان در کنار زبان‌های دیگر پرداخت.

برخی معتقدند که مردم آذربایجان به ترکی صحبت نمی‌کنند و چندی پیش آقای ناصر همرنگ در روزنامه «شرق» نوشته است: «در زبان کنونی آذربایجان منطق فکری‌ای که به‌عنوان پس‌زمینه ذهنی گویش‌وران کارکرد دارد، از یک چارچوب هند و اروپایی و ایرانی بهره می‌گیرد، نه چیز دیگر، به بیان ساده‌تر نقشه اولیه‌ای که گویش‌وران آذربایجانی برای پیاده‌کردن در ساختمان جمله‌ها و ترکیب‌بندی‌های اسمی و همچنین فعل‌ها و صفت‌ها در گویش روزانه خود به کار می‌برند، به طور کامل با ساختار و اندام‌های جمله‌سازی در زبان‌های هند و اروپایی و زبان‌های ایرانی مطابقت و سازگاری دارد، نه گروه زبان‌های ترکی». این مطلب اشاره دارد که زبان مردم آذربایجان اساسا ترکی نیست. این مطلب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این مطلب بسیار جالبی است؛ به این دلیل که درست نظر محفلی را که من آن را «محفل آذریون» می‌خوانم، بیان می‌کند. این محفل تلاش دارد بگوید ایران ترک ندارد. در این محفل اصرار شدیدی است که زبان ترکی را به آذری تقلیل دهند و بگویند این زبان یک گویش است؛ درحالی‌که اگر کسی به ترکستان شرقی تا سیبری و آسیای مرکزی و صغیر سفر کند و حتی شامات و عراق، خیلی زود متوجه خواهد شد که زبان مشترکی استفاده می‌شود و مخرج مشترک این زبان‌ها واحد است.

اگر به چارچوب افعال و صفت‌ها در این زبان نگاه کرده و به مشاهدات میدانی در مناطق یادشده توجه کنیم، خواهیم دانست که زبان در آذربایجانِ ایران، ترکی است. ازآنجاکه برخی در ایران اصرار دارند با رویکردی متفاوت به زبان نگاه کنند، مسئله زبان را به یک‌سری مسائل فرعی تقلیل می‌دهند. این جمع اصرار دارد که واقعیتی اجتماعی را نبیند. این گروه پیوست فرهنگی را قبول ندارد. این سیاست‌گذاری نیست که قوام ملیت ایران را تضمین می‌کند؛ بلکه این پیوستگی‌های فرهنگی موجود است. روزگاری در ایران تفکیک نژادی وجود داشت؛ اما امروز به یکپارچگی نژادی تبدیل شده است. ما امروز زبان‌های متفاوتی در ایران داریم و نیاز نداریم تحقیر زبانی انجام داده و زبان‌های دیگر را چنانچه در یادداشتی که ذکر کردید، اجق وجق بخوانیم. این رویکرد مبتنی بر نوعی ناآگاهی از هویت ملی است. هویت ملی بحثی جامعه‌شناختی و مبتنی بر پیوست فرهنگی است.

ازآنجاکه برخی در ایران اصرار دارند با رویکردی متفاوت به زبان نگاه کنند، مسئله زبان را به یک‌سری مسائل فرعی تقلیل می‌دهند. این جمع اصرار دارد که واقعیتی اجتماعی را نبیند. این گروه پیوست فرهنگی را قبول ندارد. این سیاست‌گذاری نیست که قوام ملیت ایران را تضمین می‌کند؛ بلکه این پیوستگی‌های فرهنگی موجود است. روزگاری در ایران تفکیک نژادی وجود داشت؛ اما امروز به یکپارچگی نژادی تبدیل شده است.

خیلی از دوستان اصرار دارند که این زبان فارسی بوده که در تاریخ باعث قوام سرزمین ما شده است و همچنین تجربه زیسته ما به زبان فارسی بوده است که این با تاریخ همخوانی ندارد. اوج تاریخ ایران در دوران هخامنشی بوده که قوام‌دهنده وحدت سرزمینی زبان فارسی نبوده و زبان سریانی یونانی و زبان‌های دیگر هم حضور داشته‌اند که در دیوان‌سالاری حکومتی استفاده می‌شده‌اند. اقوام در ایران به زبان‌های متعددی صحبت می‌کردند و تا پیش از اسلام زبان فارسی زبان مشترک در میان ایرانیان نبود. در کنار زبان فارسی زبان‌های دیگری هم بوده‌اند که ادبیات غنی‌ای دارند و اگر امروز از آنها اطلاع نداریم و به آنها نمی‌پردازیم، به این معنی نیست که تاریخچه‌ای ندارند.

تاریخ زبان ترکی با لهجه خاص آن در ایران را دست‌کم از قرن دوازدهم میلادی و یکی، دو قرن فاصله با فردوسی می‌توانیم به صورت مستند پیگیری کنیم. شاعرانی مانند شیخ عزالدین حسن‌اوغلواسفراینی متخلص به «حسن‌اوغلو» در آن دوره و بعد قاضی برهان‌الدین شعر ترکی سروده‌اند. بعد از آن در اوج تفکر عرفانی که در پهنه ایران‌زمین شکل گرفته است و در قالب نحله‌های مختلف گسترش یافته ما در زبان ترکی به افرادی مانند عمادالدین نسیمی در قرن چهارم هجری برخورد می‌کنیم. در اوج این تفکر یکی از بزرگ‌ترین شاعران و ادبای ایران که به ترکی شعر سروده است و همچنین توانسته حکومت نوین ایران را تأسیس کند، شاه اسماعیل صفوی متخلص به ختایی است که دیوانش به تازگی در نزدیک به ۵۰۰ صفحه چاپ شده است.

وی مضامین عرفانی را به زبان ترکی در قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی به اوج رسانید. باید پرسید چرا وقتی صحبت از تاریخ ادبیات ایران می‌شود، اشاره‌ای به این افراد نمی‌شود، گویی اینها اصلا در ایران نبوده‌اند. شاعران ترکی به شاه‌اسماعیل ختم نمی‌شوند و با قاسم انوار و محمد فضولی که به فارسی، ترکی و عربی شعرهایی در حوزه دین و عرفان سروده‌اند و در ۱۶۴۰ میلادی با قوسی‌تبریزی و واحد در دوران معاصر با شهریار ادامه می‌یابند.

برخی معتقدند ادبیات ترکی فقط خود را در شعر بسط داده است و مانند فارسی در نثر حضور ندارد، درحالی‌که این پیش‌فرض هم نادرست است و نشان می‌دهد محققان ما از تاریخ سرزمین ایران و ادبیات غنی زبان‌های دیگر غافل هستند و اطلاعی ندارند. درباره ادبیات نوشتاری در زبان ترکی افسانه دده قورقود، کوراوغلو، اصلی و کرم، آرزی و قنبر، عاشیق غریب و قوچاق نبی را داریم و ادبیات شفاهی در ترکی نیز بسیار غنی است و می‌توان به آغی‌لار و لای لالار که جزء فولکلور ترکی هستند، اشاره کرد. اینکه ما نتوانسته‌ایم از این میراث غنی استفاده کنیم، به این معنا نیست که مضامین نازل هستند و نمی‌توانند در عرصه ادبیات مطرح شوند. در ادبیات نثر ترکی باید به نمایش‌نامه‌هایی که به زبان ترکی نوشته شده اشاره کنیم که به دوران معاصر بازمی‌گردد و در این‌باره باید به نوشته‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده و فیلم‌هایی که به این زبان ساخته شده است اشاره کرد. پیش‌فرض فضای آکادمیک که به‌صورت غالب در رویکردهای ادبی، تاریخی، زبان‌شناختی و متولیان زبان فارسی در فرهنگستان دیده می‌شود این است که در زبان‌های دیگر ایران‌زمین هیچ نوشته مکتوبی نیست و چون نیست قابل عرضه هم نیستند. برخی هم معتقدند اگر ما دو واحد دانشگاهی برای این زبان‌ها بگذاریم، محتوایی برای تدریس وجود ندارد و باید این زبان‌ها را به موزه سپرد. زبان‌ها فراتر از دولت-ملت‌ها حضور دارند و ما شاهدیم زبان فارسی در افغانستان و تاجیکستان هم استفاده می‌شود.

ادعایی وجود دارد که زبان آذری، زبانی جدا از ترکی است؛ اما آیا از متونی که در این زبان تدوین شده است، در کشورهای ترک‌زبان استفاده می‌شود؟

من جامعه‌شناسی هستم که درباره حوزه اقوام و ملت‌ها کار کرده‌ام؛ اگر کسی مقداری یا یک واحد زبان ترکی خوانده باشد یا زبان مادری‌اش ترکی باشد، به‌سادگی خواهد دید که مشترکات زبانی میان زبان مردم آذربایجان و زبان ترکی چقدر زیاد است و نمی‌توانیم بگوییم زبانی که در آذربایجان استفاده می‌شود آذری است و زبانی که در استانبول و ارومچی چین استفاده می‌شود زبان دیگری است. اگر فرد مقداری انصاف داشته باشد و برای مثال در مسجد کاشغر یا بازار آنکاران و قازان حضور داشته باشد، خواهد دید می‌توانند با همین زبان ارتباط برقرار کنند و همین نشان می‌دهد این زبان ترکی است و مشاهدات عینی درباره این زبان نافی مفروضات محفل آذریون است. آیا مراد ما از این بحث این است که یک ملت ترک در برابر ملت ایران درست کنیم؟ و بحث کمونیست‌ها و چپی‌ها در قبل از انقلاب را مطرح کنیم که ایران کشوری است با ملل مختلف؟ نه، ما در ایران یک ملت داریم که ملت ایران است؛ ملت ایرانی مساوی است با همه اقوام، زبان‌ها، ادیان و فرهنگ‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند و همه این زبان‌ها و فرهنگ‌ها جزئی از ایران هستند و نمی‌توانیم بگوییم ترکی و کردی غیرایرانی هستند. ما نمی‌خواهیم ملت دیگری را در داخل ملت ایران مطرح کنیم. کسانی که چنین مسئله‌ای را مطرح می‌کنند، به حقوق در ساختار ملی و بین‌المللی آن التفات ندارند. همچنین از نظر فرهنگی ما در منطقه بنا به دلایل مختلف فرهنگ مشترکی داریم. جهان اسلام مؤلفه‌ها و عناصری درست کرده که پیوست فرهنگی ایجاد کرده است. حال اگر اندیشمندان نتوانستند از این پیوست فرهنگی بهره‌برداری ملموس و مؤثری بکنند، به دلایل نقص تاریخی و آگاه‌نبودن و استعمارزدگیِ افکار و ذهنیت‌های ماست. ما باید بدانیم در داخلِ ایران ملیت و قومیت دو مقوله متفاوت است. وقتی ما از دولت-ملت‌ها صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم از ملت‌ها صحبت کنیم و همچنین ما نمی‌توانیم اشتراک ترک‌های ایران و کشورهای دیگر را نادیده بگیریم. امروز در افغانستان، پاکستان و ایران، قوم بلوچ وجود دارد یا زبان فارسی در افغانستان، تاجیکستان و قسمت‌هایی از ازبکستان و ترکمنستان و شبه‌قاره هند به کار می‌رود که این نشان می‌دهد زبان‌ها فارغ از دولت-ملت‌ها گسترش یافته و برای مثال علامه اقبال لاهوری یکی از شاگردان برجسته معاصر فارسی در هند بوده است.

ترکیه و ایران: همسایگان تاریخی

هارون یحیا ؛ برگردان: علی کوشکی

ترکیه و ایران در ادوار گذشته با توجه به موقعیت جغرافیایی‌شان همیشه دو کشور کلیدی و مهم در منطقه خاورمیانه بوده‌اند و رابطه دیرینه آنها قدمت هزارساله دارد. زبان‌های فارسی و ترکی نیز متأثر از این همزیستی شدند؛ به‌طوری‌که واژگان ترکی وارد زبان فارسی شدند و فرهنگ ایرانی نیز تأثیری عمیق بر فرهنگ ترکیه بر جای گذاشت. جالب است بدانیم زبان ترکی دومین زبان رایج در ایران است. همچنین، روابط بین ایران و ترکیه محدود به موارد بالا نشد و به سایر حوزه‌ها همچون حکومت‌داری، هنر و علوم مختلف نیز گسترش یافت.

در سال ۱۶۳۹ یک معاهده مهم بین دولت عثمانی و سلسله صفویان منعقد شد. براساس این قرارداد که معاهده قصرشیرین نام گرفت و هنوز هم به قوت خود باقی است، دو طرف ۷۹۰ کیلومتر از مرزهای مشترک خود را تحدید کردند. این مرز از شهرت زیادی برخوردار است؛ چراکه اولین نوار مرزی است که در ۳۷۷ سال گذشته دست‌نخورده باقی مانده و همچنین تنها مرزی در خاورمیانه است که بدون دخالت قدرت‌های استعماری تحدید شده است. از این سند به عنوان یکی از شواهد وجود رابطه تاریخی مبتنی بر احترام متقابل بین دو طرف یاد می‌شود. با اینکه اختلافات و درگیری‌هایی هم بین دولت عثمانی و ایرانیان بوده است، این دو علاوه بر معاهده قصرشیرین، اسناد دیگری نیز امضا کرده‌اند و از روابط سیاسی و نظامی خوبی برخوردار بوده‌اند؛ از جمله این معاهده‌ها می‌توان به پیمان صلح آماسیه (۱۵۵۵)، پیمان کنستانتینوپل(معروف به معاهده فرهاد پاشا) (۱۵۹۰)، معاهده نصوح پاشا (۱۶۱۲) و معاهده سراب (۱۶۱۸) اشاره کرد. در یک بررسی کلی از جنگ جهانی اول، می‌توان دریافت ایران و ترکیه پس از تشکیل اتحاد مثلث (آلمان، ایتالیا و اتریش) به نوعی استقلال خود را از دست دادند. دولت بریتانیا نیز همیشه به دنبال گسترش نفوذ خود در ایران بود و به همین منظور در ۹ آگوست سال ۱۹۱۹ معاهده‌ای را با دولت وثوق‌الدوله امضا کرد که عملا وابستگی مطلق ایران به بریتانیا را تضمین کرد. براساس قرارداد ۱۹۱۹، دولت بریتانیا مأموریت یافت قوای نظامی و دولتی ایران را سروسامان بخشد. اما این قرارداد با مخالفت مجلس شورای ایران روبه‌رو شد و مانند معاهده سراب هیچ وقت عملیاتی نشد. دخالت قدرت‌های استعماری در دو کشور ایران و ترکیه، طیف‌های ملی‌گرای دو کشور را به هم نزدیک‌تر کرد. نقطه اشتراک این نیروهای ناسیونالیست تفکر ضدامپریالیستی بود که مخالف دخالت بریتانیا در امور داخلی کشورهایشان بودند. خوشبختانه هر دو موفق شدند و توانستند استقلال خود را حفظ کنند.

اتحاد بین ترکیه و ایران می‌تواند به حل بحران سوریه کمک می‌کند. با کمک ایران و روسیه، ترکیه می‌تواند مذاکرات صلح را با سوریه شروع کند. برای این کار، لازم است ترکیه پروسه دشوار اعطای ویزا به شهروندان سوری را تسهیل کند

تهدید دیگری که از جانب بریتانیا متوجه ایران شد، کودتا علیه نخست‌وزیر وقت، محمد مصدق در سال ۱۹۵۳ به پشتیبانی لندن بود. محمد مصدق که دو سال قبل از کودتا به نخست‌وزیری ایران انتخاب شده بود، توانست شرکت نفت انگلو- پرشین را ملی کند. بریتانیایی‌ها از اینکه مصدق در راستای منافع آنها عمل نمی‌کرد، ناراحت بودند و به همین خاطر کودتای سال ۱۹۵۳ را برنامه‌ریزی کردند، کودتایی که سازمان سیا و MI6 در ۲۰ آگوست ۲۰۱۳ به دست‌داشتن در آن اعتراف کردند.در سال ۱۹۶۰ نیز کودتایی در ترکیه به وقوع پیوست که هنوز از یاد نرفته است. متأسفانه در ۱۵ جولای امسال نیز ملت ترکیه کودتای خونین دیگری را تجربه کردند که به مدد شجاعت این ملت در همان ساعات اولیه مهار شد.به دنبال این کودتا، روابط بین ترکیه و ایران شتاب بیشتری گرفت. رئیس‌جمهور ایران، حسن روحانی و وزیر امور خارجه، محمدجواد ظریف، حسن نیت خود را نشان داده و در همان لحظات اول کودتا را محکوم کردند. دیدارهای صورت‌گرفته بین مقامات دو کشور پس از این واقعه تلخ، کمک کرد دو کشور گام‌های عملی را که به نفع امنیت و ثبات منطقه است بردارند. اما به نظر می‌رسد با توجه به شرایط حاد خاورمیانه، دو طرف مأموریت سختی را پیش‌رو داشته باشند. با وجود اختلاف مواضع درباره سوریه، تهران و آنکارا توانستند به درک درستی از نقاط مشترک فراوان بین خود دست یابند؛ برای نمونه تهران و ترکیه هر دو مخالف جریان‌های افراطی و تروریستی هستند که منطقه را بیش‌ازپیش به سمت بی‌ثباتی و بحران سوق می‌دهند. نکته مهمی که نباید فراموش کرد این است که با وجود اختلافات گذشته، تهران و آنکارا هیچ وقت روابط با یکدیگر را قطع نکرده‌اند. ایران کشوری بسیار صادق است و مردمان آن نیز ملتی شریف هستند. هرگونه تفرقه و جدایی در منطقه اشتباهی بزرگ است و هیچ مسلمانی نباید به خود و دیگران اجازه دهد علیه گروه‌های دیگر موضع‌گیری کند. میلیون‌ها شیعه در ترکیه سکونت دارند و در ایران نیز بیش از ۱۵ میلیون شیعه آذری زندگی می‌کنند. شیعیان همانند نگینی در میان مسلمانان می‌درخشند و دنیای اسلام نیز باید به آنها ببالد و افتخار کند. عشق و دوستی بین دو کشور قطعا به شکوفایی هر دو کمک می‌کند. همچنین، اتحاد بین ترکیه و ایران می‌تواند به حل بحران سوریه کمک می‌کند. با کمک ایران و روسیه، ترکیه می‌تواند مذاکرات صلح را با سوریه شروع کند. برای این کار، لازم است ترکیه پروسه دشوار اعطای ویزا به شهروندان سوری را تسهیل کند. همچنین دولت ترکیه می‌تواند برای احزاب سیاسی شناخته‌شده سوری و قشر نخبه و تحصیل‌کرده سوریه در مذاکرات صلح استثناهایی قائل شود. در نتیجه این رایزنی‌های سیاسی، می‌توان به شکل‌گیری یک دولت انتقالی امیدوار بود که ضربه بزرگی به طرح خاورمیانه بزرگ وارد می‌کند؛ چراکه بانیان این طرح به دنبال فروپاشی سوریه هستند. لازم است ترکیه و تهران برای پایان‌بخشیدن به جنگ و خون‌ریزی و کمک به شهروندان بی‌پناه سوری گام‌های فوری و اساسی بردارند. این اتحاد می‌تواند هرگونه بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه را خنثی کند و به الگویی برای دیگر کشورهای منطقه تبدیل شود. امیدواریم دیگر کشورها نیز همین مسیر را طی کنند.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیهان

● احمدی‌نژاد: شفافیت در بازار سرمایه اعتماد مردم را جلب می‌کند
● متکی در نامه‌ای به وزیر خارجه فرانسه: برنامه اتمی ایران با هیچ اهرمی متوقف نمی‌شود
● رئیس قوه قضائیه: برگزاری موفق اجلاس خزر مکر دشمن را بی‌اثر کرد
● وزیر خارجه ایران: تجهیزکنندگان صدام به سلاح شیمیایی باید محاکمه شوند
● رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: آمریکا حیثیت ابَرقدرتی خود را در عراق از بین برد

اعتماد

● علی‌اکبر ولایتی: کناره‌گیری علی لاریجانی نشان‌دهنده تنگ‌ترشدن دایره مدیران اجرائی در کشور است
● دبیرکل ناتو: مأموریت ما به حساس‌ترین مرحله رسیده است
● ایران و پاکستان قرارداد گازی صلح امضا می‌کنند
● نهضت آزادی ایران با صدور بیانیه‌ای به بازداشت و محاکمه «هادی قابل»، عضو شورای مرکزی حزب مشارکت، اعتراض کرد
● منوچهر متکی: جمهوری اسلامی ایران کشوری مسئولیت‌پذیر در نظام بین‌المللی است؛ ولی اجازه پایمال‌شدن حقوق خویش را نخواهد داد

ایران

● احمدی‌نژاد در ایروان اعلام کرد: هیچ‌گونه محدودیتی در روابط با ارمنستان وجود ندارد
● سخنگوی دولت در آستانه مذاکرات رم: مذاکره با اروپا منحصر به مسائل هسته‌ای نیست
● وزیر دفاع: ایران پیشرفته‌ترین موشک‌ها را در اختیار دارد
● رئیس قوه قضائیه: اجلاس خزر ادعای انزوای ایران را از بین برد
● شورای روابط خارجی آمریکا: توانایی ایران، موفقیت تحریم را محدود کرده است
● دبیر کل اتحادیه عرب: تکلیف پرونده هسته‌ای ایران باید در آژانس روشن شود
● وزیر خارجه ایران: آمریکا شریک صدام در جنایت علیه بشریت است

آفتاب

● آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: فضای باز اظهار نظر در دانشگاه‌ها، تهدید دشمنان را از بین می‌برد
● مسعود جزایری، معاون فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح شد
● دبیر کل اتحادیه عرب: اعراب نسبت به کنفرانس پاییز بدبین هستند
● عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: تزریق پول از سوی دولت از دلایل رشد تورم است
● مخبر کمیسیون انرژی: اکثر قراردادهای فروش گاز در حد صحبت است
● عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: فرمول پرداخت جوایز صادراتی در ایران اشتباه است
● امضای اسناد همکاری و بیانیه مشترک میان ایران و ارمنستان
● عضو شورای مرکزی حزب همبستگی: افراطیون در جناح اصولگرا هیچ‌کس غیر از خود را قبول ندارند

جمهوری اسلامی

● ولایتی، مشاور عالی مقام معظم رهبری: علی لاریجانی انصافا زحمت کشید، باید از او و حسن روحانی قدردانی شود
● احمدی‌نژاد در جلسه هیأت دولت: کشورهای منطقه مراقب باشند در قالب کنفرانس پاییزی در دام صهیونیست‌ها گرفتار نشوند
● حمایت بیش از ۱۸۰ نماینده مجلس از عملکرد علی لاریجانی در شورای امنیت
● محمدباقر قالیباف: تهران را با سیاست یک‌بام و دوهوا نمی‌توان اداره کرد
● رئیس سازمان عقیدتی - سیاسی ناجا: مأموریت اصلی نیروی انتظامی پیشگیری از وقوع جرم است
● منوچهر متکی: آمریکا با اعدام سریع صدام اجازه نداد مشارکت غربی‌ها در جنایات شیمیایی وی آشکار شود
● وزیر نیرو: هیچ نیروگاهی با استفاده از منابع دولتی ایجاد نمی‌شود

اطلاعات

● احمدی‌نژاد: در مذاکرات هسته‌ای، ایران باید شرط تعیین کند
● وزیر مسکن: دولت برای کاهش قیمت مسکن رویکرد خود را از فروش زمین به اجاره آن تغییر داد
● الهام: گفت‌وگوها محدود به مسئله هسته‌ای نیست
● ولایتی: بهتر بود استعفای لاریجانی اتفاق نمی‌افتاد
● البرادعی: فرصت فراوانی برای حل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای داریم
● وزیر دفاع: ایران دارای پیشرفته‌ترین سلاح‌ها و سیستم موشکی است
● رئیس‌جمهور: شفافیت بازار سرمایه به خصوصی‌سازی شتاب می‌دهد